

# طبقه کارگر طبقه‌ای از مهاجران است



تصویر بالا: اخراج از ایران، تصویر پائین: اخراج از آمریکا

## صدای انترناسیونالیستی

موج تازه‌ای از بیگانه‌هراسی و نژادپرستی در سراسر جهان، از ایران تا آلمان، از بریتانیا تا آمریکا، از ژاپن تا دیگر نقاط جهان، در حال گسترش است. با این حال، در دو کشور ایران و آمریکا، این پدیده در حال حاضر شکلِ توحشیِ لجام‌گسیخته به خود گرفته است. این موج که اغلب با تبلیغات بیگانه‌ستیزانه و خشونت همراه است، بخشی از طبقه‌ی کارگر جهانی را هدف قرار داده، همان کسانی که خود قربانی بحران‌های اقتصادی، اجتماعی و جنگی هستند. نظام سرمایه‌داری، با تکیه بر ابزارهایی همچون دولت، پلیس، رسانه‌ها و نظریه‌پردازان رسمی، می‌کوشد نارضایتی‌های ناشی از این بحران‌ها را به‌سوی «بیگانگان» منحرف کند تا علت واقعی مشکلات، یعنی خودِ ساختار سرمایه‌داری، از دید پنهان بماند. در بسیاری از کشورها، سرکوب مهاجران به سیاستی سازمان‌یافته و نهادینه بدل شده است. در آمریکا، دونالد ترامپ، اخراج میلیون‌ها مهاجر را به محور کمپین انتخاباتی خود تبدیل کرده بود و اکنون نیز بار دیگر با شعارهای تند ضد مهاجرت، دست به اخراج‌های گسترده‌تری زده است. در ایران، دولت با اجرای طرحی فراگیر، اقدام به اخراج شهروندان با تبار افغان، مهاجران و پناهجویان افغانستانی کرده و آن‌ها را تحت عنوان «اتباع غیرمجاز» هدف قرار داده است.

در اروپا نیز کشورهایی مانند فرانسه، آلمان، اسپانیا، ایتالیا و یونان، روند بازگرداندن یا اخراج مهاجران را شدت بخشیده‌اند. در یونان، گزارش‌هایی از رفتارهای غیر انسانی، از جمله واژگون کردن قایق‌های مهاجران و اعمال خشونت مرگبار از سوی گارد ساحلی منتشر شده است. در ترکیه نیز شواهدی از کشتار دسته‌جمعی پناهجویان و دفن آن‌ها در

گورهای جمعی دیده می‌شود. فهرست جلوه‌های این توحش سرمایه‌داری، بلندتر از آن است که در چند جمله خلاصه شود.

بیگانه‌ستیزی ریشه در ساختار جامعه‌ی طبقاتی دارد و با شکل‌گیری دولت‌های ملی و پیدایش ایدئولوژی ملی‌گرایی، که خود از پیامدهای تاریخی گسترش سرمایه‌داری هستند، چهره‌ای متناقض و متغیر به خود گرفته است. در دوره‌هایی که سرمایه‌داری به نیروی کار ارزان نیازمند است، لحن بیگانه‌ستیزانه فروکش می‌کند و مهاجران به‌عنوان نیروی مفید و ضروری پذیرفته می‌شوند. اما در زمانه‌ی بحران‌های اقتصادی یا اجتماعی، طبقه‌ی حاکم با نسبت‌دادن مشکلات و معضلات اقتصادی و اجتماعی به کارگران مهاجر، عامدانه بر شعله‌های بیگانه‌هراسی می‌دمد. در چنین شرایطی، شکاف‌های قومی، نژادی و ملی به ابزارهایی برای تفرقه‌افکنی در میان طبقه‌ی کارگر بدل می‌شوند، ابزارهایی که کارکرد اصلی‌شان، منحرف کردن خشم و نارضایتی اجتماعی از سرچشمه‌ی واقعی آن یعنی نظام سرمایه‌داری است.

سیاست بیگانه‌هراسی با پشتیبانی رسانه‌ها، گفتمان رسمی، نظریه‌پردازان بورژوازی و سیاست‌مداران نظام حاکم، نه تنها توجیه می‌شود، بلکه به طور مداوم بازتولید می‌گردد، آن هم به‌عنوان ابزاری مؤثر برای ایجاد تفرقه در صفوف طبقه‌ی کارگر جهانی. در این چارچوب، مهاجران غالباً در قالب «بربرها» تصویر می‌شوند، تهدیدی برای تمدن، مدنیت و امنیت، چنان که گویی باید در برابر «هجوم» بربرها، از نظم متمدن موجود دفاع کرد. بیگانه‌ستیزی در این روایت، نه خطایی ناخواسته، بلکه بخشی آگاهانه و هدفمند از

سیاست‌های حفظ سلطه‌ی طبقاتی است. نمونه‌ی بارز این نگرش را میتوان در سخنان جوزپ بورل، مسئول وقت سیاست خارجی اتحادیه اروپا، در ۱۳ اکتبر ۲۰۲۲ در مراسم افتتاحیه‌ی آکادمی دیپلماتیک اروپا در بروژ یافت. او در آن سخنرانی، اروپا را «باغ» و باقی جهان را «جنگل» توصیف کرد، باغی مرفه، آزاد، زیبا و دموکراتیک، که باید در برابر «جنگلی» پر از تهدید و نیروهای بربرگونه، محافظت شود:

"بله، اروپا یک باغ است... بقیه جهان عمدتاً یک جنگل است، و این جنگل ممکن است به باغ حمله کند... باغبان‌ها باید به دل جنگل بروند. اروپایی‌ها باید خیلی بیشتر با بقیه دنیا تعامل داشته باشند. در غیر این صورت بقیه جهان به طرق و شیوه‌های مختلف به ما یورش خواهد آورد."<sup>۱</sup>

جابجایی جمعیت پدیده‌ای ساختاری و اجتناب‌ناپذیر در نظام سرمایه‌داری است، نظامی که برخلاف صورت‌بندی‌های پیشا سرمایه‌داری، به طور ذاتی به مهاجرت و جا به جایی نیروی کار وابسته است. در مراحل اولیه‌ی رشد سرمایه‌داری، مهاجرت کارگران از روستاها به شهرها، پیش شرط انباشت سرمایه و گسترش تولید صنعتی بود. اما این جا به جایی‌ها نه با بهبود شرایط زندگی کارگران، بلکه همواره با تشدید استثمار، ناپایداری شغلی و وخامت وضعیت معیشتی همراه بوده‌اند.

در مراحل بعدی، به ویژه پس از بازسازی‌های پس از جنگ جهانی دوم، موج‌های گسترده‌ی مهاجرت دیگر صرفاً پاسخی به نیاز بازار کار نبودند، بلکه به پیامدهای ویرانگر

---

<sup>۱</sup> باغبان اروپا

منطق سرمایه‌داری جهانی بدل شدند: جنگ، فقر، قحطی، بیماری، تخریب محیط زیست و سرکوب سیاسی، میلیون‌ها نفر را ناگزیر به ترک خانه و زادگاه خود کرد.

با این حال، همین نیروی کار مهاجر بود که نقشی حیاتی در بازسازی کشورهای ویران‌شده پس از جنگ جهانی دوم ایفا کرد. امروز نیز بخش بزرگی از خدمات و زیرساخت‌های کلان شهرهایی مانند تهران، نیویورک، لندن و پاریس و غیره بر دوش کارگران مهاجری قرار دارد که خود از محروم‌ترین و تحت‌ستم‌ترین لایه‌های طبقه‌ی کارگر جهانی هستند. از مراقبت از سالمندان در اروپا تا ساخت و ساز در خاورمیانه، بدون نیروی کار مهاجر، چرخ بسیاری از جوامع امروزی از حرکت باز می‌ایستد.

در پی تنش‌ها و جنگ اخیر میان ایران و اسرائیل، بورژوازی جنایت‌کار جمهوری اسلامی، با متهم کردن شماری از شهروندان افغان تبار به جاسوسی برای اسرائیل و همکاری با موساد، حمله‌ای سازمان‌یافته و کثیفی را علیه بخشی از طبقه کارگر آغاز کرده است. این پروژه، که با تبلیغات امنیتی و نژادپرستانه همراه است، هدفی آشکار دارد: اخراج میلیون‌ها انسان که بخش بزرگی از آنان اعضای طبقه کارگر را تشکیل می‌دهند. تاکنون صدها هزار نفر از کشور اخراج شده‌اند، در این رابطه چند نکته ضروری است:

**نخست** آن که بورژوازی ننگین جمهوری اسلامی، با تعمیم خطاها یا اتهامات فردی به کل یک گروه اجتماعی، تلاش می‌کند کارگران افغان تبار را به عنوان تهدیدی امنیتی معرفی کند؛ در حالی که منشأ واقعی بحران‌های امنیتی بورژوازی اسلامی، ساختار فاسد و ناکارآمد خود رژیم است.

**دوم**، واقعیت‌های روشن و غیرقابل انکار نشان داده‌اند که موساد و دیگر سرویس‌های اطلاعاتی غربی تا سطوح بالای سیاسی، نظامی و امنیتی جمهوری اسلامی نفوذ کرده‌اند.<sup>۲</sup> واقعاً چه منطقی وجود دارد که یک کارگر ساده، از جلسات محرمانه‌ی مقامات ارشد یا فرماندهان نظامی مطلع باشد؟ چنین اطلاعاتی تنها می‌تواند از درون ساختار قدرت به بیرون درز کند، نه از طریق یک کارگر ساده و فاقد هرگونه دسترسی به اطلاعات طبقه بندی شده.

**سوم**، این سناریو در خدمت هر دو دولت جنگ‌طلب و سرکوبگر ایران و اسرائیل عمل می‌کند: جمهوری اسلامی با متهم کردن کارگران مهاجر، وانمود می‌کند که دستگاه امنیتی‌اش همچنان نفوذ ناپذیر است؛ و اسرائیل نیز مطمئن می‌شود که عوامل واقعی‌اش ناشناس و مصون باقی مانده‌اند.

بورژوازی اسلامی با دامن زدن به تبلیغات سازمان یافته علیه بخشی از طبقه‌ی کارگر با تبار افغان، و با تحریک افکار عمومی برای مشارکت در شناسایی و سرکوب این کارگران، بخشی از مردم را عملاً به ابزار دستگاه سرکوب تبدیل کرده است. این روند، بخشی از پروژه‌ای بزرگ‌تر است: تفرقه‌افکنی در درون طبقه‌ی کارگر و تسهیل استثمار راحت‌تر و شدیدتر آن.

---

<sup>۲</sup> دختر سرلشکر علی شادمانی، فرمانده قرارگاه مرکزی خاتم‌الانبیا، اخیراً اعلام کرده است که پدرش هیچ‌گونه گواهی یا وسایل هوشمند همراه نداشت، محل استقرارش هر چند ساعت تغییر می‌کرد و پروتکل‌های امنیتی را به دقت رعایت می‌کرد. با این حال، او توسط اسرائیل ترور شد؛ موضوعی که نشان‌دهنده‌ی اشراف اطلاعاتی اسرائیل و متحدانش بر تحرکات او است.

مبارزه با اخراج تحقیرآمیز بخشی از طبقه‌ی کارگر با تبار افغان، دفاع از یک قوم یا ملیت نیست؛ بلکه دفاع از هویت و منافع طبقاتی ما است. سرمایه‌داری با دامن‌زدن به شکاف‌های قومی، نژادی و ملی، می‌کوشد ما را پراکنده، تضعیف و مطیع نگه دارد. اما ما، با همه‌ی تفاوت‌های مان، به یک طبقه تعلق داریم: طبقه‌ی کارگر. اکنون زمان آن فرا رسیده است که متحد بایستیم و فریاد بزنیم: «طبقه علیه طبقه!» و در برابر بیگانه‌هراسی از هم‌طبقه‌ای‌های خود دفاع کنیم، نه به نام ملیت، بلکه به نام سرنوشت مشترک طبقاتی. همان‌گونه که طبقه‌ی کارگر ایران نبردهای قهرمانانه‌ای را در تاریخ ثبت کرده است، امروز نیز وظیفه دارد در برابر تحقیر و اخراج خواهران و برادران طبقاتی‌اش سکوت نکند. عدم واکنش جدی امروز، فردا به عنوان لکه‌ای ننگین بر حافظه‌ی تاریخی این طبقه باقی خواهد ماند.

رویکرد سرکوبگرانه‌ای که بورژوازی جنایتکار حاکم در ایران علیه مهاجران به کار می‌گیرد، با شدت و گستره‌ای مشابه از سوی بورژوازی جنایتکار آمریکا نیز دنبال می‌شود. دونالد ترامپ پیش‌تر وعده داده بود که «بزرگ‌ترین عملیات اخراج مهاجران در تاریخ آمریکا» را به اجرا خواهد گذاشت و اکنون در حال عملی کردن آن است.

این سیاست‌ها نه تنها مهاجران غیرقانونی، بلکه بسیاری از مهاجران قانونی و پناهنجویان را نیز در بر می‌گیرد. بازداشت‌های گسترده، ایجاد اردوگاه‌های موقت، اخراج صدها هزار نفر و بازداشت روزانه هزاران نفر از مهاجران، بخشی از این پروژه عظیم هستند. در حال حاضر ده‌ها هزار نفر در انتظار اخراج در بازداشت به سر می‌برند. هدف نهایی این سیاست‌ها، سرکوب بخشی از طبقه کارگر است: همان نیروی کار مهاجر و محرومی که بار اصلی خدمات، ساخت و ساز و تولید را به دوش می‌کشد.

پیش از آن که حامل هویت‌های قومی، نژادی یا مذهبی باشیم، ما فروشندگان نیروی کار و اعضای طبقه‌ای هستیم که زیر سلطه‌ی استثمار قرار دارد. در برابر تلاش نظام سرمایه‌داری برای تقسیم و تفرقه‌افکنی میان کارگران، از طریق تبدیل آن‌ها به اقلیت‌های قومی و مذهبی، وظیفه‌ی ماست که آگاهانه و متحد، به‌عنوان یک طبقه‌ی واحد، به مبارزه برخیزیم. این یعنی دفاع از منافع مشترک طبقاتی و ایستادگی قاطع در برابر نژادپرستی و هویت‌سازی‌های فریبنده، چه از سوی راست سرمایه و چه از جانب چپ سرمایه.

متأسفانه، به ویژه در ایالات متحده و به شکلی ضعیف‌تر در ایران، برخی با توسل به شعارهای دموکراسی‌خواهانه یا حمایت از نهادهای بورژوازی، و با برجسته کردن هویت‌های ملی یا قومی، از جمله در آمریکا از طریق برافراشتن پرچم کشورهایی چون مکزیک، گواتمالا، السالوادور و دیگر کشورهای آمریکای لاتین، به توهماتی دامن می‌زنند که مانع از شکل‌گیری یک واکنش واقعی، ریشه‌دار و طبقاتی از سوی پرولتاریا می‌شود.

طبقه‌ی کارگر نمی‌تواند نسبت به سرکوب و تحقیر کارگران مهاجری تفاوت بماند یا آنان را مسئول مشکلات خود بداند، چرا که انترناسیونالیسم، اساس دفاع از منافع جمعی کل طبقه‌ی کارگر است. ما بر اصل انترناسیونالیسم پرولتری تأکید می‌کنیم: کارگران وطن ندارند و باید علیه دشمن مشترک خود، نظام سرمایه‌داری، متحد شوند.

از یک سو، پایین‌بودن سطح مبارزات طبقاتی، و از سوی دیگر، تبلیغات گسترده‌ی نژادپرستانه، شرایطی پدید آورده‌اند که در آن بورژوازی می‌کوشد اتحاد طبقاتی را ناممکن جلوه دهد. با این حال، کارگران، به ویژه در لحظات اوج مبارزه‌ی طبقاتی، بارها نشان داده‌اند که توانایی رسیدن به همبستگی‌ای تاریخی و شکوهمند را دارند؛ همبستگی و

اتحادی طبقاتی و انترناسیونالیستی که بورژوازی بیش از هر چیز از آن بیم دارد. این همبستگی طبقاتی و انترناسیونالیستی است که می‌تواند بنیان‌های نظام سرمایه‌داری را به لرزه درآورد.

**کارگران وطن ندارند!**

**زنده باد همبستگی طبقاتی کارگران!**

**علیه بیگانه‌هراسی بورژوازی در قبال طبقه کارگر!**

اکبری

۱۳ تیر ۱۴۰۴

**کانال تلگرام:**

<https://t.me/intvoice>

**ایمیل:**

[contact@internationalistvoice.org](mailto:contact@internationalistvoice.org)

**وبسایت:**

[www.internationalistvoice.org](http://www.internationalistvoice.org)

**ایکس (تویتر سابق):**

[https://twitter.com/int\\_voice](https://twitter.com/int_voice)

# صدای انترناسیونالیستی منتشر کرده است !

در مقابل سیاستهای راسیستی بورژوازی  
به دفاع از خواهران و برادران  
هم طبقاتی خود برخیزیم!



صدای انترناسیونالیستی

پیشروی خارجی ستیزی  
و موضع انترناسیونالیستی



صدای انترناسیونالیستی

انتخاب سرنوشت ساز:  
نه دموکراسی یا فاشیسم،  
بلکه سوسیالیسم یا بربریت



صدای انترناسیونالیستی

نژادپرستی، فقر، دولت پلیسی، بردگی مزدی  
سرمایه داری یعنی توحش!



صدای انترناسیونالیستی